

معضل اردوغان و اتحادیه اروپا

(ترجمه)

رئیس‌جمهور ترکیه، اردوغان، در تاریخ ۲۰۲۵/۳/۳ تأکید کرد که «امنیت قاره اروپا بدون ترکیه قابل‌تصور نیست». این سخن را در جریان ضیافت افطار رمضانی با سفرای خارجی مقیم آنکارا، در مقر حزب عدالت و توسعه در پایتخت ترکیه ایراد کرد. او گفت: «ما به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از اروپا، روند پیوستن‌مان به اتحادیه اروپا را یک اولویت راهبردی می‌دانیم» و افزود: «اروپا به‌سختی می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر جهانی به مسیر خود ادامه دهد، بدون آن‌که جایگاه شایسته ترکیه را به رسمیت بشناسد».

بیابید نگاهی به روابط ترکیه با اتحادیه اروپا بیندازیم؛ تلاش ترکیه برای پیوستن به این اتحادیه از تاریخ ۱۹۵۹/۷/۳۱ آغاز شد. مذاکرات آغاز گردید و پروتکل‌ها و تفاهم‌نامه‌های متعددی در تاریخ‌های مختلف و تحت عناوین گوناگون طی دهه‌های متمادی به امضا رسید که این امر نشان‌دهنده نبود جدیت اروپا در پذیرش ترکیه است، بلکه آن را بین امید و ناامیدی نگه‌داشته تا آن را تحت‌فشار قرار دهد و شروطی بر آن تحمیل کند تا به اروپا نزدیک‌تر شود و از باقی‌مانده اسلام خود را بیشتر دور گردد تا نفوذ سیاسی باقی‌مانده اروپا در ترکیه را حفظ کند و آنچه را که به نفع آمریکا از دست‌داده، بازپس گیرد.

در تاریخ ۲۰۰۵/۱۰/۳ تصمیمی اتخاذ شد مبنی بر پذیرش بررسی رسمی ترکیه و واجد شرایط دانستن آن برای عضویت در اتحادیه. این تصمیم تحت‌فشار آمریکا اتخاذ شد تا ترکیه عنصری باشد که به نفع آمریکا در داخل اتحادیه ایفای نقش کند و وزیر خارجه وقت فرانسه، برنار کوشنر، به این امر اعتراف کرد.

اما اروپا بار دیگر به وقت‌کشی روی آورد و پرونده‌های متعددی را مطرح کرد که تعداد آن‌ها به ۳۵ پرونده رسید و موضوعات مختلفی را دربر می‌گرفت، از جمله قبرس، کردها، علویان، ارامنه، حقوق زنان، حقوق بشر، همجنس‌گرایان، آزادی‌ها، اصلاحات قانون اساسی، قوانین و دموکراسی.

پس‌از آن مذاکرات از سر گرفته شد تا اینکه در سال ۲۰۱۶ متوقف گردید، پس‌از آنکه اردوغان نخست‌وزیر خود، احمد داوود اوغلو را که با اروپایی‌ها به توافقی برای لغو ویزا برای ترک‌ها جهت ورود به اروپا رسیده بود، برکنار کرد. اروپا هرگز در پذیرش ترکیه در اتحادیه خود جدی نبود و پیوسته با طفره رفتن و وعده‌های سر خرمن، این موضوع را به تعویق انداخت.

اردوغان اینک می‌کوشد از تنش پدیدآمده میان اروپا و آمریکا که در پی تضعیف اتحادیه اروپا و رها ساختن آن در برابر تهدیدات امنیتی روسیه شکل گرفته است، نهایت بهره را ببرد. او بار دیگر درخواست پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را مطرح می‌کند و امنیت قاره را به حضور ترکیه گره می‌زند؛ همچنین ترکیه را به‌عنوان بازیگری مؤثر در عرصه سیاست جهانی معرفی می‌کند. بدین‌گونه، اروپا را از منظر امنیتی و سیاسی نیازمند ترکیه جلوه می‌دهد؛ چراکه در غیر این صورت، آمریکا اتحادیه را سرنگون خواهد کرد و روسیه، امنیت آن را تهدید خواهد نمود. از همین رو، اگر ترکیه به اتحادیه راه یابد، آمریکا نیز خرسند خواهد شد؛ زیرا ترکیه همچنان در مدار سیاست‌های واشنگتن حرکت می‌کند، میانجی اروپا و آمریکا می‌شود و می‌تواند آمریکا را به کاهش تنش‌ها و پذیرش اروپا به‌عنوان شریک بین‌المللی فعال، متقاعد سازد؛ آن‌هم به پشتوانه حضور ترکیه در این اتحادیه.

وی اشاره می‌کند که اروپا بار دیگر از سوی روسیه تهدید شده است؛ جایی که یادآوری می‌کند ترکیه بخشی از اروپا است و نمی‌تواند در مقابله با این تهدید از ترکیه بی‌نیاز باشد. ترکیه از سال ۱۹۵۲ عضو ناتو است و همواره از سمت جنوب، اروپا را در برابر بلوک شرق به رهبری روسیه محافظت کرده است. اکنون پس از جنگ اوکراین، تهدید روسیه بازگشته و از این جهت، اروپا به ترکیه نیازمند است.

اردوغان ورود ترکیه به اتحادیه اروپا را یک اولویت راهبردی می‌داند. اگر این امر محقق شود، ترکیه نقش مؤثری در داخل اتحادیه به نفع آمریکا ایفا خواهد کرد، در کنار منافع اقتصادی که اردوغان برای کشورش امید دارد. او آگاه است که اروپا وقت‌کشی می‌کند و اینکه عضویت ترکیه تقریباً غیرممکن است، اما از این موضوع به صورت سیاسی بهره‌برداری می‌کند تا جایگاه سیاسی خود را در داخل تقویت کند، زیرا این یک مطالبه ترک‌هاست و ظاهر قضیه این‌گونه می‌شود که او در حال تلاش برای تحقق آن است و مردم تصور می‌کنند که امیدی به ورود ترکیه به اتحادیه وجود دارد.

او همچنین از این موضوع در سیاست خارجی بهره می‌برد تا اروپا را در تنگنا قرار دهد تا از شدت دشمنی با ترکیه بکاهد و برای تسهیلاتی قائل شود و با این وسوسه که برگ‌های برنده‌ای دارد، مانند روابط خوبش با آمریکا ترامپ و با روسیه، اروپا را جذب کند. چراکه اروپا پس از شعله‌ور شدن جنگ در اوکراین، روسیه را ازدست‌داده و اکنون در آستانه از دست دادن آمریکا است که او را در این جنگ گرفتار کرده است.

اینجاست که اردوغان ظاهر می‌شود تا ترکیه را به عنوان حلقه نجات و منجی اروپا معرفی کند و بدین ترتیب، جایگاه سیاسی خود را در خارج در برابر آمریکا تقویت کند، چراکه آمریکا نمی‌تواند از او بی‌نیاز باشد؛ به دلیل خدمات بزرگی که به او ارائه داده است، همان‌گونه که در لیبی و آذربایجان و سوریه ارائه داد و او همه این‌ها را برای افزایش محبوبیت خود در داخل استفاده می‌کند، جایی که در تلاش است تا در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده در سال ۲۰۲۸ نامزد شود.

و این خود به روشنی نشان می‌دهد که اردوغان از زاویه اسلام نمی‌اندیشد و گرنه هرگز دست نیاز به سوی اتحادیه اروپا دراز نمی‌کرد و این چنین بی‌محابا امتیاز پشت امتیاز به اروپایی‌ها نمی‌داد؛ به‌ویژه آنجا که برای جلب رضایتشان تن به تغییر قوانین داد تا آن‌ها را با قوانین فاسد اروپایی همسو سازد؛ قوانینی که خودِ اروپایی‌ها بارها و بارها دستخوش تغییرشان کردند تا بر فسادشان بیفزایند؛ در مسائلی چون زن و خانواده، همجنس‌گرایی و آزادی‌های بی‌حدومرز. این در حالی است که ریشه قوانین موجود در ترکیه، همان قوانین کهنه اروپاست که زمانی مصطفی کمال، هنگام براندازی خلافت و کنار زدن شریعت از حکومت، آن‌ها را وارد کشور کرد.

اروپایی‌ها ترکیه را با وعده ورود به اتحادیه‌شان سرگرم می‌کنند تا کاملاً آن را از دست ندهند، زیرا ترکیه تمایل خود را برای پیوستن به بریکس نشان داده است. آن‌ها می‌خواهند ترکیه را شریک خارجی قرار دهند بدون آنکه وارد اتحادیه‌شان شود؛ زیرا از ورودش بیم دارند، چون کشوری اسلامی بزرگ است که اگر وارد شود، بزرگ‌ترین کشور اروپایی از نظر جمعیت و مساحت خواهد شد و چون به آمریکا وابسته است، این شاید عامل تأثیرگذاری به نفع آمریکا در اتحادیه باشد؛ اما آن‌ها ترکیه را به عنوان عضو ناتو پذیرفتند تا در برابر روسیه از آن‌ها دفاع کند و تا در قلب سرزمین‌های اسلامی باشند، جایی که پایگاه‌هایشان را تحت چتر ناتو در ترکیه بنا کردند.

پس آن‌ها می‌خواهند از ترکیه استفاده کنند، اما نمی‌خواهند ترکیه ابزاری در دست آمریکا باشد که داخل اتحادیه از آن بهره گیرد. آن‌ها می‌خواهند چهره مسیحی اتحادیه را حفظ کنند و نمی‌خواهند بیش از ۸۰ میلیون مسلمان را در اتحادیه‌شان ببینند؛ زیرا حساسیتی مضاعف و دشمنی شدیدی نسبت به مسلمانان دارند و تحمل حضورشان را در قاره‌شان ندارند. آن‌ها نارضایتی شدیدی از وجود میلیون‌ها مسلمان به عنوان مهاجر و کارگر قدیمی و فرزندان و نوه‌هایشان نشان می‌دهند. این بخشی از کینه‌های دیرینه اروپایی‌ها نسبت به اسلام و مسلمانان است. آن‌ها مسلمانان را افرادی سرسخت در برابر ادغام می‌بینند که همچنان به دین و فرهنگشان پایبندند؛ چیزی که سکولارهای دموکرات حاکم بر اروپا را آزار می‌دهد، همچنان ملی‌گرایان افراطی را نیز می‌آزارد؛ کسانی که حتی وجود انسانی غیر از قوم خود را در کشورشان تحمل نمی‌کنند، چه برسد به مسلمانان که کینه‌شان نسبت به آنان دوچندان است.

پس کسی که تفکر اسلامی دارد، باید در جهت قرار دادن ترکیه به عنوان نقطه ارتكازی برای برپایی دولت خلافت راشده حرکت کند و برای وحدت سرزمین‌های اسلامی که شمار مسلمانان آن نزدیک به دو میلیارد نفر و مساحتش نزدیک به ۳۲ میلیون کیلومترمربع است و ثروت‌های عظیمی از نفت و گاز و سایر معادن و نعمت‌ها را در بردارد، گام بردارد. در این صورت هیچ نیازی به اروپای پوسیده و اتحادیه لرزانیش نیست.

نویسنده: استاد اسعد منصور

برگرفته از شماره ۵۳۹ جریده الرايه